اثربخشی خانواده‌درمانی ساختی بر تغییر سبک‌های مقابله با تعارض و افزایش سازگاری زوجین

ابراهیم نامنی[1]، حسین کشاورز افشار[2]، زهرا فرازی[3]، حمیدرضا گلشن[4]

۱- گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. ۲- گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول.۳- دانشجو دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد. مشهد. ایران. ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران. تهران. ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله
پژوهشی

تاریخچه مقاله
دریافت : ۹۷/۶/۱
پذیرش : ۹۷/۸/۳۰

کلید واژگان
خانواده‌درمانی ساختی،
رضایت زناشویی،
سبک‌های مقابله با تعارض

نویسنده مسئول
Email:
Keshavarz1979@ut.ac.ir

چکیده

هدف: در پژوهش حاضر اثربخشی مداخلات خانواده‌درمانی ساختی بر تغییر سبک مقابله با تعارض زوجین و افزایش سازگاری زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره شهرستان بیرجند موردبررسی قرار گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر به صورت نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل در سال ۱۳۹۴ انجام شد. جامعه آماری این پژوهش زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بیرجند بود. نمونه آماری این تحقیق را تعداد ۱۲ زوج (۲۴ نفر) متقاضی دریافت خدمات مشاوره خانواده تشکیل داد. نمونه انتخاب‌شده با استفاده از روش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. ابزار مورداستفاده در این پژوهش پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) و رضایت زناشویی انریچ بود. طرح پژوهشی طرح نیمه تجربی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. ابتدا برای هر گروه پیش‌آزمون اجرا گردیده، سپس مداخله آزمایشی خانواده‌درمانی ساختی در طی ۱۰ جلسه به اجرا درآمد. پس از اتمام برنامه درمانی پس‌آزمون اجرا گردید.

یافته‌ها: بر اساس تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس و مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه، آموزش خانواده‌درمانی ساختی تأثیر معناداری بر سبک یکپارچه($p = ۰/۷۳۳$)،سبک اجتنابی ($p = ۰/۱۷۹$)، سبک مسلط ($p =۰/۲۶۶$)، سبک مصالحه ($p =۰/۵۵۸$)، سبک ملزم شده ($p=۰/۵۰۱$) و رضایت کلی ($p= ۰/۷۴$) زوجین داشت.

نتیجه‌گیری: خانواده‌درمانی ساختی در بهبود و تغییر سبک مقابله با تعارضات زوجین و افزایش سازگاری و رضایت زناشویی زوجین اثربخش است.

مقدمه

اختلافات بین فردی و در رأس آن اختلاف‌های ناشی از روابط زناشویی برای زوجین پدیده‌ای بغرنج و ناراحت‌کننده است و درعین‌حال اختلاف‌نظر و تعارض امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر در روابط بین فردی است. افراد ممکن است در مواجهه با تعارض‌های ناشی از روابط بین فردی راهبردهای مختلفی به خود بگیرند. آنچه در این امر شایسته مطالعه و تعمق است، بررسی نوع سبک‌های مقابله با تعارض است (۱). اگر تعارض‌ها به‌صورت مثبتی از طرف زوجین حل‌وفصل شود و راهبردهای مناسبی به‌مرورزمان جهت حل مشکلات ناشی از روابط زناشویی اتخاذ شود باعث پایداری و بهبود روابط در بلندمدت خواهد شد و مهارت‌های ناشی از روابط زناشویی را بالا خواهد برد، حتی یادگیری این رویکرد انطباقی، می‌تواند فرد را در مقابل دیگر رویدادهای فشارزای زندگی هم مقاوم‌تر کند (۲) ولی اگر تعارض‌ها به‌صورت نامطلوبی اداره شود موجب تخریب زندگی زناشویی شده و اثرات زیان‌آوری بر سلامت فیزیکی و هیجانی زوجین به‌جا می‌گذارد (۳) و می‌تواند موجب ایجاد دامنه‌ای از مشکلات رفتاری و هیجانی کودکانی شود که در معرض تعارضات والدین هستند (۴). رفتار پدر و مادر به طور مستقیم بر رفتار کودکان در مدرسه تأثیر می‌گذارد و کاهش تعارضات زناشویی باعث افزایش رفتار مثبت کودکان در مدرسه می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد کودکانی که در معرض درگیری بین والدین هستند (۵، ۶، ۷) در معرض خطر نمایش رفتار تهاجمی هستند.

تعارض به‌عنوان فرایند تعاملی است که با ناسازگاری و عدم توافق شناخته می‌شود و یا به‌صورت نابهنجاری همراه نهادها یا بین نهادهای مختلف اجتماعی تعریف می‌شود (۸) تعارض در زندگی زناشویی نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. درمانگران سیستمی، تعارض زناشویی را تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منافع قدرت و حذف امتیازات دیگری می‌دانند .کنش و واکنش دو فرد که قادر نیستند منظور خود را تفهیم نمایند، تعارض نامیده می‌شود (۹). تلاش در جهت حل تعارض در بین زوجین،

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

ظاهراً شامل گفتگوها و بحث‌های شدید بین همسران و همکاری فوق‌العاده زن و شوهر در جهت کسب مجدد رضایت زناشویی است. هر یک از همسران تعهداتشان را با انجام چنین اموری به هنگام تعارض ابراز می‌دارند: افشای احساسات و موقعیت، مصالحه و گفتگو در جهت کسب توافق مشترک، یکپارچه‌سازی عقاید و ابراز غم و همدلی به هنگام حل تعارض. این قبیل کارها باعث بهتر شدن درک زوجین از یکدیگر می‌شود و زوجین را در جهت بهبودی و عمیق‌تر شدن روابط و ابراز احساسات توانمند می‌سازند (۱۰) ابعاد دوگانهٔ تعارض (با محوریت رقابت و مشارکت) که موجب روی دادن رفتار تعارض‌آمیز می شود در مطالعات رحیم (۱۱) موردبررسی قرارگرفته است. ازجمله رابرت بلک و موتون (۱۲) روابط کارکنان را در سازمان‌ها موردبررسی قراردادند و مدل دوبعدی برای توصیف سبک‌های مختلف حل تعارض در موقعیت‌های بین فردی ارائه دادند. آن‌ها بیان کردند که افراد هنگام تعارض مقدار مشخصی از هر دو بعد اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران را نشان می‌دهند. آن‌ها اهمیت دادن به خود را به‌صورت مقدار حمایت شخصی و مقدار استقامتی که فرد در جهت رسیدن به علایقش از خود بروز می‌دهد تعریف کردند و همچنین اهمیت دادن به دیگران را توانایی فرد در رسیدگی به دیگران و نیازهای آن‌ها و منطبق شدن با آن‌ها می‌دانند (۱۳). بعضی از نظریه‌پردازان معتقدند که اهمیت دادن به خود و دیگران دو بعد مجزایی هستند که می‌توان آن‌ها را باهم ترکیب نمود و سبک‌های پنج‌گانه، مسلط، الزام شده، اجتنابی، مصالحه گر و یکپارچه‌سازی را برای حل تعارض خلق کرد (۱۴،۱۱).

سبک یکپارچگی[۱]: مستلزم اهمیت دادن زیاد به خود و دیگران است. این سبک مستلزم تشریک‌مساعی بین دو طرف است، مثل گشودگی، مبادله اطلاعات، بررسی تفاوت‌ها و یافتن راه‌حل قابل‌قبول برای هردو طرف است (۱۵). سبک ملزم شده (متعهدشده)[۲]: مستلزم اهمیت دادن پایین به خود و اهمیت بالا به دیگران است، در این افراد اضطراب به نحو متفاوتی فراخوانده می‌شود. آن‌ها در جستجوی دستیابی به راه‌حل‌هایی هستند که هماهنگ و سازگار با دیگران باشند. این افراد به‌شدت منفی و غیرعادی هستند و این برای آن‌ها بسیار مهم است که دیگران آن‌ها را فرد خوبی در نظر بگیرند و بدون این‌که به احساسات آن‌ها خدشه‌ای وارد کنند به اهدافشان دست پیدا کنند. سبک مسلط[۳]: به‌وسیله اهمیت دادن بالا به خود و اهمیت دادن پایین به دیگران مشخص می‌شود. این سبک به‌عنوان یک سبک رقابتی شناخته‌شده است. در این سبک‌رفتار افراد تحمیل‌کننده است. در این سبک فرد تلاش می‌کند به اهدافش دست یابد، بدون این‌که برای دیگران اهمیتی قائل شود (۱۵). سبک اجتنابی[۴]: بااهمیت دادن پایین به خود و دیگران مشخص می‌شود و معمولاً با کناره‌گیری توأم است. در این سبک مسؤولیت به شخص دیگر واگذار می‌شود، این افراد امیدی ندارند که از حل تعارض سودی کسب کنند بنابراین کناره‌گیری از تعارض را ترجیح می‌دهند. منفعل بودن، دوری کردن، ترس از رویارویی با تعارض، کم‌اهمیت جلوه دادن تعارض و به تأخیر انداختن حل تعارض در این افراد مشاهده می‌شود (۱۳). سبک مصالحه[۵]: در میان این سبک‌ها، سبک حل تعارض مصالحه از یک موضع میانه برخوردار است. این سبک بر اساس یک استراتژی دادوستد و بر اساس یک تصمیم گیری دوجانبه قابل‌قبول اتخاذ می‌شود و هنگامی‌که دو نفر از امتیازات مساوی برخوردار باشند از این سبک بهره می‌برند (۱۳، ۱۵).

خانواده‌درمانی ساختاری بر پایه تجربیات و پژوهش‌های سالوادور مینوچین[۶] شکل‌گرفته است. ایده اصلی خانواده‌درمانی ساختاری این است که نشانه مرضی فرد هنگامی‌که در بافت الگوهای تعاملی خانواده ارزیابی شود، بهتر قابل‌درک و شناخت است(۱۶). یکی از فنون ویژه و منحصربه‌فرد خانواده‌درمانی ساختاری به اجرا درآوردن الگوهای تعامل خانواده در جلسه درمان است. همچنین هدف اصلی آن تسهیل حل مشکلات موجود و رشد سالم خانواده با تمرکز بر ارتباط بین فردی و اعضای مهم خانواده و شبکه اجتماعی است (۱۷). علاوه بر آن مفروضه اصلی خانواده‌درمانی ساختاری این است که هر خانواده دارای یک ساخت است و این ساخت تنها زمانی که خانواده در حال عمل است، آشکار می‌شود. به‌عبارت‌دیگر ساختار مجموعه‌ای نامرئی و پنهان از نقش‌هاست که اعضای خانواده از نامرئی و پنهان از نقش‌هاست که اعضای خانواده از آن طریق با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (۱۸).

گاتمان[۷] و همکاران (۱۹) معتقدند با تحلیل ارتباط یک زوج می‌توان احتمال به بن‌بست رسیدن ازدواج و رسیدن به طلاق را پیش‌بینی کرد، تعارض‌های زوجین متخاصم، فراوانی و شدت بیشتری دارد آن‌ها در هنگام مشاجره، به شخصیت یکدیگر حمله می‌کنند، به‌صورت مستقیم درگیر تعارضات می‌شوند و توهین، اهانت انتقاد، قضاوت و سرزنش زیادی در تعاملات آن‌ها دیده می‌شود (۲۰). زوجین غیر متخاصم در مقابل یکدیگر انتقادهای کینه‌توزانه نمی‌کنند و چون خصومت را دامن نمی‌زنند، رضایت بیشتری از زندگی دارند (۲۱). سبک همکاری و سازش رابطه مثبتی و سبک سلطه و اجتنابی رابطه معکوسی باکیفیت زندگی زناشویی دارد (۲۲).

شیوه‌ی مقابله با تعارض اکتسابی است و می‌توان آن را تغییر داد (۲۳،۱)، ازاین‌رو می‌توان با فراهم نمودن فرصت های

۱- Integrating style
۲- Obligating style
۳- Dominating style
۴- Avoiding style
۵- Compromising style
۶- Minuchin
۷- Gottman

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

آموزشی جدید به زوجین کمک کرد تا شیوه‌های مخرب و ناکارآمد مقابله با تعارض خود را تغییر دهند و شیوه های کارآمدتری به‌کارگیرند. آموزش والدین و بالا بردن روابط زناشویی مثبت و کاهش تعارضات می‌تواند منجر به افزایش سازگاری کودکان در مدرسه شود (۲۴).

طرفدار نظریه‌های رشدی و ساخت‌نگر معتقدند، افزایش بروز تعارضات زناشویی ازآن‌روست که زوجین جوان مهارت تغییر الگوهای رفتاری و قواعد و انتظارات برگرفته از روابط قبلی خصوصاً خانواده پایه و تشکیل یک واحد زناشویی جدید را ندارند (۲۵). از برنامه‌هایی که ثابت شده نه‌تنها برای قربانیان بلکه برای عاملان تعارض زناشویی مؤثر است، زوج‌درمانی است که برای کاهش تضاد بین والدین و تقویت مهارت‌های ارتباطی و مهارت مدیریت تعارض مؤثر است. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس ناشی از رضایت و خوشبختی از یکدیگر داشته باشند (۲۶). تعارضات زناشویی یک مسئله چندبعدی است و نظام زناشویی را دچار اختلال عمده می‌نماید و تأثیر زیادی روی خانواده دارند، درعین‌حال زوجین وظایفی دارند و شکست در انجام وظایف منجر به ایجاد مشکلات، نارضایتی وعدم رضایت زناشویی است(۲۷).

گلدنبرگ (۲۸) بیان کرد که خانواده‌درمانی ساختاری تأثیر معناداری در سازگاری زناشویی دارد و همچنین تغییرات مثبت و معناداری در عملکرد خانواده‌ها و عملکرد روانی اجتماعی آنان داشته و این تأثیرات در بلندمدت باقی می‌مانند همچنین مک لندون و پتر (۲۹) در پژوهشی با عنوان درمان ساختاری خانواده محور به این نتیجه رسیدند که میانگین گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به‌طور معناداری بیشتر بود. به‌عبارت‌دیگر آموزش با رویکرد خانواده‌درمانی ساختاری باعث افزایش رضایت زناشویی شده است. پارکوور، متریک، پارکوور و گریفن-اسمیت (۳۰) در پژوهشی که به بررسی اثربخشی خانواده درمانی ساختاری پرداختند به این نتیجه رسیدند که آموزش به خانواده‌ها با توجه به این رویکرد باعث افزایش رضایت زناشویی و کاهش ناسازگاری آنان شده است. با در نظر گرفتن نقش مهم سبک‌های مقابله با تعارض زوجین در کیفیت زندگی زناشویی، لذا در پژوه حاضر به دنبال آن بودیم تا اثربخشی اجرای الگوی خانواده‌درمانی ساختاری بر تغییر سبک مقابله با تعارض و افزایش سازگاری زوجین را موردبررسی قرار دهیم.

مواد و روش کار

پژوهش حاضر به صورت نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. در این بررسی، مشارکت‌کنندگان به‌صورت تصادفی به دو گروه آزمایش(۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) تقسیم شدند و قبل از اعمال مداخله، از دو گروه پیش‌آزمون گرفته شد و با نتایج بعد از آزمایش مقایسه شد. جامعه آماری این پژوهش زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر بیرجند بود که جهت بهبود روابط زناشویی و دریافت مشاوره در سال ۱۳۹۴ به این مراکز مراجعه کردند. ۱۲ زوج (۲۴ نفر) به روش نمونه گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب و به‌صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم و به‌حکم قرعه در دو گروه آزمایشی و گواه قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش خانواده‌درمانی ساختاری قرار گرفت.

روند جلسات درمان ساختی که طی ۹ جلسه انجام‌شده به شرح زیر است:

جلسه اول

اهداف: بیان اهداف و مقررات گروه، کلیات درمان ساختی و مفهوم تعارضات زناشویی

شیوه اجرا: در ابتدا زوجین خود را معرفی کردند و باهم دیگر آشنا شدند. اهداف تشکیل جلسات بیان شد.

ارائه تکلیف: جلسه بعد زوجین مکلف می شوند در فرم مخصوص، تعارضات عمده بروز کرده در زندگی خود را نوشته و انتظارات خود از این جلسات را به‌صورت خلاصه بنویسند و با خود به جلسه بیاورند.

جلسه دوم

اهداف: آموزش شیوه‌های ارتباط، به نمایش گذاشتن وضعیت غالب خانواده‌ها، معرفی زیر منظومه‌ها در خانواده

شیوه اجرا: تکلیف جلسه قبل مرور شد، تعریف ارتباط و زیر منظومه‌های خانواده معرفی گردید و وضعیت غالب خانواده ها مورد نمایش و بحث قرار گرفت.

ارائه تکلیف: تمرین مهارت‌های ارتباطی و یادداشت نتایج تمرین

جلسه سوم

اهداف: آموزش فنون خانواده‌درمانی و انجام هرچه بیشتر و بهتر الگوهای مراوده‌ای

شیوه اجرا: جلسه با دریافت بازخورد از جلسه قبل آغاز شد. فنون خانواده‌درمانی همانند الحاق، تقلید، بازگویی و ... مورد تمرین قرار گرفت.

ارائه تکلیف: یادداشت‌برداری از چند مورد از اثرات فنون خانواده‌درمانی در بهبود زندگی روزمره افراد.

جلسه چهارم

اهداف: بیان الگوهای مراوده‌ای رایج، مثلث‌های موجود حول مشکلات خانواده.

شیوه اجرا: بازخورد از جلسه قبل دریافت شد، تکالیف مرور شد و خلاصه‌ای کوتاه از جلسه قبل بیان شد در مورد الگوهای مراوده‌ای رایج و مثلث‌های موجود حول مشکلات خانواده بحث شد.

ارائه تکلیف: انتظارات هر یک از زوجین از همسر خویش را بنویسند و در جلسه مطرح کنند و مواردی را که ازنظر زوجین

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

باعث همکاری بیشتر هر یک از زوجین می‌شود را به عنوان راهکار به دیگران بیان کنند.

جلسه پنجم

اهداف: بازسازی و تغییر خانواده

شیوه اجرا: تکالیف جلسه قبل موردبررسی قرار گرفت، راهکارهای بازسازی و تغییر خانواده موردبررسی قرار گرفت افراد مکلف به نوشتن و ارائه دو مورد از مواردی که باعث واکنش زوجین می‌شود شدند.

جلسه ششم

اهداف: بیان میزان ارتباط هرکدام از زوجین با خویشاوندان خود

شیوه اجرا: تکالیف جلسه قبل موردبررسی قرار گرفت. نحوه ارتباط هرکدام از زوجین و میزان ارتباط هرکدام از آن ها با همسرانشان در مقابل رابطه با اعضای خانواده خود موردبررسی و آموزش قرار گرفت.

ارائه تکلیف: هرکدام از زوجین مکلف شدند تا چند مورد از تجارب خویش را که باعث نزدیک‌تر شدن آنان با خانواده اصلی‌شان شده و باعث دوری آن‌ها از همسرانشان شده است را نوشته و همراه خود بیاورند.

جلسه هفتم

اهداف: افزایش یا متعادل ساختن رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و داشتن رابطه مناسب با دوستان مشترک

شیوه اجرا: تکالیف جلسه قبل موردبررسی قرار گرفت؛ و در این جلسه رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان موردبررسی قرار گرفت.

ارائه تکلیف: زوجین در این جلسه مکلف شدند که هرکدام چند مورد از راهکارهایی که باعث افزایش یا متعادل ساختن رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و داشتن رابطه مناسب با دوستان مشترک می‌شود را بنویسند و با خود به جلسه بیاورند.

جلسه هشتم

اهداف: بهبود روابط جنسی

شیوه اجرا: با توجه به اینکه اختلافات میان زن و شوهر بر سر اختلافات جنسی، بیشتر در مورد زمان و کیفیت رابطه است در این مورد به زوجین مواردی بیان‌شده است.

ارائه تکلیف: افراد موظف شدند تا در رابطه زمان و کیفیت رابطه جنسی با همسرانشان بحث نمایند و به توافق برسند و به توافق خود نیز عمل نمایند.

جلسه نهم

اهداف: حمایت کل اعضای خانواده از همدیگر به جای جلب حمایت فرزندان.

شیوه اجرا: بحث اصلی این جلسه در مورد حفظ زیر منظومه زن‌وشوهری با مرزهای زیر منظومه‌های فرزندان است.

ارائه تکلیف: از هرکدام از زوجین خواسته شد که دو مورد از مواردی که منجر به جلب حمایت فرزند یا فرزندان می‌گردد را بنویسند و همراه خود بیاورند.

جلسه دهم

اهداف: مدیریت صحیح امور مالی به‌جای جدا کردن امور مالی از همدیگر

شیوه اجرا: ضمن بررسی تکالیف جلسه قبل، در مورد مدیریت صحیح امور مالی به‌جای جدا کردن این امور از همدیگر بحث شده است.

ارائه تکلیف: در این جلسه از افراد خواسته‌شده است که تجارب مختلف در مورد امور مالی را به بحث گذارند.

در پژوهش حاضر جهت جمع آوری داده ها از ابزار زیر استفاده‌شده است:

۱-پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم(ROCI-II)[۱]: پرسشنامهROCI-IIتوسط رحیم (۱۱) برای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض ساخته شد. پرسشنامه سبک‌های حل تعارضROCI-IIبرای اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۸ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی سبک‌های حل تعارض افراد در رابطه با همسر (سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم شده، سبک اجتناب‌کننده، سبک مصالحه) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه در جدول زیر ارائه گردیده است. در پژوهش حقیقی و همکاران (۳۱) بین خرده مقیاس های پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم و پرسشنامه حل تعارض ویکز و فیشر و اوری(CRQ)همبستگی مثبت و منفی مشاهده شد که بیانگر روایی همگرا و واگرای مطلوب این پرسشنامه است. در این تحقیق پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۴ به دست آمد .هم‌چنین پایایی ابزار با استفاده از روش تصنیف ۰/۶۸ به دست آمد و همبستگی مثبت و منفی نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرای مطلوب، CRQبین خرده مقیاس‌های این ابزار با پرسشنامه بود. در تحقیق حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برای این پرسشنامه به ROCI-II پرسشنامه دست آمد.

۲-پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ[۲]: این پرسشنامه به‌عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعدد برای بررسی میزان و عوامل رضایت زناشویی مورداستفاده قرارگرفته است. شامل مؤلفه‌های مختلفی ازجمله رضایت زناشویی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، روابط جنسی، فرزندان و فرزندپروری و ارتباط با دوستان و ... است. ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای عوامل مشمول حداکثر ۰/۹و حداقل ۰/۴۸ گزارش‌شده است و پایایی باز آزمایی پرسشنامه در فاصله ۴ هفته ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ بوده است (۳۲).

۱- Conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II)

۲- Enrich Marital Satisfaction Scale

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل دادها از شاخص‌های امار توصیفی مانند میانگین، درصد، انحراف استاندارد و تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیر سبک‌های تعارض و رضایت زناشویی ارائه‌شده است. داده‌ها نشان می دهد که میانگین گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در سبک های یکپارچه و مصالحه افزایش و در سبک‌های اجتنابی و مسلط و ملزم شده کاهش و در مورد رضایت زناشویی نیز میانگین گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در نمره کلی رضایت زناشویی و تمام ابعاد آن به‌جز موضوعات شخصیتی، ازدواج و فرزندان و مدیریت مالی افزایش‌یافته است؛ که نشان دهنده تأثیر خانواده‌درمانی ساختی بر الگوهای سبک مقابله با تعارض و رضایت زناشویی است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات زوجین گروه‌های آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های سبک‌های حل تعارض و رضایت زناشویی و ابعاد آن در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون

مولفه های مورد بررسی	گروه	مرحله	میانگین	انحراف استاندارد
سبک یکپارچه	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۴/۶۷	۶/۵۶۹
		پس‌آزمون	۲۹/۴۲	۲/۸۴۳
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۶/۲۵	۴/۳۰۹
		پس‌آزمون	۱۶/۵۰	۴/۴۸۲
سبک اجتنابی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۴/۵۰	۷/۵۶۲
		پس‌آزمون	۱۰/۴۲	۲/۵۳۹
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵/۷۵	۴/۵۷۵
		پس‌آزمون	۱۵/۲۵	۴/۱۳۷
سبک مسلط	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۳/۹۲	۷/۰۵۱
		پس‌آزمون	۹/۳۳	۱/۷۷۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵/۳۳	۳۹۸۵
		پس‌آزمون	۱۵/۴۲	۴/۱۲۲
سبک مصالحه	آزمایش	پیش‌آزمون	۷/۷۵	۴/۳۰۹
		پس‌آزمون	۱۷/۰۰	۲/۱۷۴
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۰/۶۷	۳,۱۱۴
		پس‌آزمون	۱۱/۵۰	۳/۴۵۱
سبک ملزم شده	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۶/۵۸	۷,۷۸۶
		پس‌آزمون	۱۰/۵۸	۱/۸۳۲
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵/۷۵	۴/۷۱۲
		پس‌آزمون	۱۶/۱۷	۵/۷۵۰

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

دنباله جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی

نام متغیر	گروه		میانگین	انحراف	نام متغیر	گروه		میانگین	انحراف
رضایت کلی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۵۴/۶	۲۳/۷۳	فعالیت‌های اوقات فراغت	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۶/۶۰	۲/۴۶
		پس‌آزمون	۱۶۷/۱۳	۲۳/۲۴			پس‌آزمون	۱۸/۹۷	۳/۱۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۵۴/۲۴	۲۱/۲۱		کنترل	پیش‌آزمون	۱۶/۳۲	۲/۶۹
		پس‌آزمون	۱۵۴/۴	۲۲/۸۳			پس‌آزمون	۱۶/۰۹	۲/۰۸
موضوعات شخصیتی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۷/۲	۴/۱۳	جنسی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۷/۸۷	۲/۱۴
		پس‌آزمون	۱۷/۶۵	۳/۲			پس‌آزمون	۱۹/۰۹	۳/۱۶
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۵۷	۴/۱۵		کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۶۹	۳/۹۸
		پس‌آزمون	۱۷/۲۶	۴/۶۸			پس‌آزمون	۱۷/۲۴	۳/۶۹
ارتباط زناشویی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۶/۷۵	۴/۲۷	ازدواج و فرزندان	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۷/۳۸	۴/۴۹
		پس‌آزمون	۱۹/۱۴	۴/۳۲			پس‌آزمون	۱۷/۰۵	۳/۴۸
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۰۱	۴/۳۵		کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۲۴	۴/۴۸
		پس‌آزمون	۱۷/۰۰	۴/۲۳			پس‌آزمون	۱۷/۴۶	۴/۶۵
حل تعارض	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۶/۷	۴/۱۲	اقوام و دوستان	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۷/۲۵	۳/۱۹
		پس‌آزمون	۱۸/۷۳	۳/۰۵			پس‌آزمون	۱۹/۰۳	۴/۲۹
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۶/۶۹	۴/۳۲		کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۳۸	۴/۰۹
		پس‌آزمون	۱۶/۷۲	۴/۳۹			پس‌آزمون	۱۷/۶۳	۴/۷۶
مدیریت مالی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۶/۹۴	۴/۹۱	جهت‌گیری مذهبی	آزمایش	پیش‌آزمون	۱۸/۰۹	۴/۲۹
		پس‌آزمون	۱۷/۰۶	۴/۴۷			پس‌آزمون	۲۰/۵۴	۴/۳۵
	کنترل	پیش‌آزمون	۱۶/۳۶	۴/۶۵		کنترل	پیش‌آزمون	۱۷/۹۸	۴/۵۴
		پس‌آزمون	۱۶/۹۴	۴/۹۴			پس‌آزمون	۱۸/۰۶	۴/۸۹

قبل از ارائه نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری، پیش‌فرض‌های این آزمون بررسی شدند یکی از پیش‌فرض‌های این آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته است که نتایج آزمون کالموگروف نشان داد برای هر پنج مؤلفه سبک های مقابله با تعارض و رضایت زناشویی زوجین، این آزمون غیر معنادار است (P>۰/۰۵). بنابراین نمرات نرمال بوده و مفروضه برقرار است. نتایج آزمون باکس نیز جهت بررسی پیش فرض دیگر این آزمون یعنی همگنی واریانس-کوواریانس ازلحاظ آماری معنادار نبود (P>۰/۰۵). و این به معنای برقراری مفروضه همگنی ماتریس‌های کوواریانس است. بنابراین آزمون لامبدای ویلکز برای بررسی معناداری اثرهای چندمتغیری استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول (۲) نشان می‌دهد با کنترل اثر نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر جدیدی که از ترکیب خطی نمرات پس آزمون به عنوان متغیرهای وابسته حاصل‌شده، تفاوت معناداری وجود دارد (لامبدای ویلکز=۰/۱۴۷، P=۰/۰۰۰، ۱۵،۰۸۰=(۵،۱۳) . (F)

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری جهت مقایسه ابعاد سبک‌های مقابله با تعارضات زناشویی در گروه آزمایش و کنترل

نوع آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرض	درجه آزادی خطا	مقدار احتمال	مجذور اتا
اثر پیلای[۱]	۰/۸۵۳	۱۵/۰۸۰	۵/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵
لامبدای ویلکز[۲]	۰/۱۴۷	۱۵/۰۸۰	۵/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵
رد هتلینگ[۳]	۵/۸۰۰	۱۵/۰۸۰	۵/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵
ریشه بزرگ روی[۴]	۵/۸۰۰	۱۵/۰۸۰	۵/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵

۱– Pillai's Trace
۲- Wilks' Lambda
۳– Hotelling's Trace
۴- Roy's Largest Root

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

نتایج آزمون اثرات بین مشارکت‌کنندگان در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین مشارکت‌کنندگان دو گروه آزمایش و کنترل در نمرات پس‌آزمون ابعاد پنج‌گانه سبک‌های مقابله با تعارض (سبک یکپارچه و اجتنابی، مسلط، مصالحه و ملزم شده) تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج جدول ۲ و پایین آمدن نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در سبک‌های مسلط، ملزم شده و اجتنابی و بالا رفتن نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در سبک یکپارچه و مصالحه می‌توان نتیجه گرفت که اجرای الگوی خانواده‌درمانی ساختاری در تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زوجین مؤثر بوده است.

همچنین جدول ۳ نشان می‌دهد که بین مشارکت‌کنندگان دو گروه آزمایش و کنترل در نمرات پس‌آزمون نمره کلی رضایت زناشویی و شش بعد ارتباط زناشویی، حل تعارض، فعالیت‌های اوقات فراغت، رضایت جنسی، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به نتایج جدول ۲ و افزایش نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در ابعاد ذکرشده می‌توان نتیجه گرفت که خانواده‌درمانی ساختاری در افزایش رضایت کلی زناشویی و ابعاد ارتباط زناشویی، حل تعارض، فعالیت‌های اوقات فراغت، رضایت جنسی، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی زوجین مؤثر بوده است؛ اما نتایج آزمون اثرات بین مشارکت‌کنندگان در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین مشارکت‌کنندگان دو گروه آزمایش و کنترل در نمرات پس‌آزمون متغیرهای رضایت زناشویی در موضوعات شخصیتی، مدیریت مالی و ازدواج و فرزندان تفاوت معناداری وجود ندارد ($P>۰/۰۵$).

جدول ۳:تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش خانواده‌درمانی ساختی بر تغییر سبک مقابله با تعارضات زناشویی

متغیر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره f	مقدار احتمال	مجذور اتا
سبک‌های مقابله‌ای	سبک یکپارچه	۶۴۱/۶۷۹	۱	۶۴۱/۶۷۹	۴۶/۶۷۲	۰/۰۰۰	۰/۷۳۳
	سبک اجتنابی	۳۴/۰۲۰۲	۱	۳۴/۲۰۲	۳/۶۹۶	۰/۰۵۰	۰/۱۷۹
	سبک مسلط	۴۳/۲۲۰	۱	۴۳/۲۲۰	۶/۱۶۱	۰/۰۲۴	۰/۲۶۶
	سبک مصالحه	۱۱۹/۸۳۴	۱	۱۱۹/۸۳۴	۲۱/۴۹۴	۰/۰۰۰	۰/۵۵۸
	سبک ملزم شده	۲۲۰/۳۶۴	۱	۲۲۰/۳۶۴	۱۷/۰۳۷	۰/۰۰۱	۰/۵۰۱
رضایت زناشویی	رضایت کلی	۴۳۷/۲۴	۱	۴۳۷/۲۴	۷۲/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۷۴
	موضوعات شخصیتی	۱۸/۳۲	۱	۱۸/۳۲	۲/۶۲	۰/۰۹	۰/۰۲
	ارتباط زناشویی	۶۲/۶۴	۱	۶۲/۶۴	۳۹/۲۷	۰/۰۰۳	۰/۶۲
	حل تعارض	۳۰/۳۶	۱	۳۰/۳۶	۱۸/۲۹	۰/۰۰۶	۰/۳۹
	مدیریت مالی	۹/۴	۱	۶/۴	۲/۱۶	۰/۱۱	۰/۰۱
	فعالیت‌های اوقات فراغت	۱۴/۷۹	۱	۱۴/۷۹	۲۷/۶۶	۰/۰۱۱	۰/۴۳
	جنسی	۵۲/۷۳	۱	۵۲/۷۳	۳۲/۵۲	۰/۰۰۹	۰/۴۷
	ازدواج و فرزندان	۵/۱۷	۱	۵/۱۷	۲/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۱
	اقوام و دوستان	۶۹/۰۵	۱	۶۹/۰۵	۱۹/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۲۷
	جهت‌گیری مذهبی	۲۵/۸۰	۱	۲۵/۸۰	۵۲/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۶۳

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول این پژوهش بیان می‌کند که رویکرد خانواده‌درمانی ساختی باعث تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زوجین می‌شود. در این پژوهش، با اجرای روش درمانی ساختاری نشان داده شد که اجرای الگوی خانواده‌درمانی ساختاری موجب افزایش سبک مقابله با تعارض سبک یکپارچه و سبک مصالحه و کاهش نمره سبک مقابله با تعارض مسلط، اجتنابی و ملزم شده می شود. سبک مقابله با تعارض مبنی بر همکاری و سازش (یکپارچه و مصالحه) رابطه مثبتی باکیفیت زندگی زناشویی دارد (۲۲) و افرادی که از سبک یکپارچه استفاده می‌کنند، از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند (۲۴) زوجین موثق (یکپارچه) از تعاملات مثبت بیشتری مثل شوخی، محبت، اعتماد و پذیرش و گشودگی استفاده می‌کنند و با احترام و توجه به نظرات و عقاید یکدیگر گوش می‌کنند و در بحث کردن هم را درک می‌کنند (۱۹). با در نظر گرفتن این فرض که سبک‌های مقابله با تعارض اکتسابی هستند (۳۳) و زوج‌درمانی یکی از روش‌های مؤثر در بهبود مهارت‌های مدیریت تعارض است (۳۴) و با توجه به اینکه خانواده‌درمانی ساختاری توجه خاصی به الگوهای تبادلی

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

خانواده دارد و ساختارگرایان به این موضوع علاقه‌مند هستند که انعطاف‌پذیری خانواده در تطبیق با تغییرات رشدی و نیز بحران‌های موقعیتی غیرمنتظره چقدر است و اعضای خانواده تا چه اندازه به‌خوبی یا به‌سادگی می‌توانند برای حل تعارض به یکدیگر بپیوندند (۳۵)؛ و نیز تأکید بر بازسازی خانواده بر اساس مرزسازی، طرح و حل تعارضات زیر منظومه‌های زناشویی، تصحیح الگوهای رفتاری و ارتباطی مختل دارند و با ایجاد مرز مشخص بین زیر منظومه‌ها این امکان را فراهم می‌کند تا بدون دخالت سایر زیر منظومه‌ها امکان مذاکره و عمل کردن به‌صورت یک گروه برای زن و شوهر فراهم گردد (۳۶). می‌توان نتیجه گرفت که فراهم کردن فرصت‌های جدید یادگیری نحوه تعامل باعث افزایش سبک مقابله با تعارض یکپارچه و مصالحه در گروه نمونه شده است این یافته‌ها همسو با پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد متغیرهایی مانند استفاده از شوخی تفریح و شادمانی (۳۷) بخشش (۳۸) آموزش مهارت‌های ارتباطی (۳۹) و انعطاف‌پذیری (۴۰) در کاهش تعارضات زناشویی و بهبود کیفیت زندگی زناشویی مؤثر است.

این پژوهش نشان داد که اجرای الگوی خانواده‌درمانی ساختاری در کاهش سبک مقابله با تعارض مسلط، اجتنابی و ملزم شده مؤثر است. سبک مقابله با تعارض مسلط و اجتنابی باکیفیت زندگی زناشویی رابطه معکوس دارد (۲۲) والنیر و کارنر[1] به نقل از کوان (۱) اجتناب از تعارض را مضر می‌دانند چون مذاکره‌ای در آن انجام نمی‌شود و هیچ یادگیری در آن وجود ندارد. کریستین سن به نقل از دان هام (۲) معتقد است این دسته از زوجین، افکار و عواطف خود را سرکوب می‌کنند چون آن‌ها را منصفانه و به‌حق نمی‌دانند و می‌ترسند به حسشان به یک مشاجره‌ی غیرقابل‌کنترل تبدیل شود. افرادی که از سبک اجتنابی استفاده می‌کنند، هوش هیجانی پایین‌تری دارند (۲۴) این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های سو[2] (۳۴) مبنی براثربخشی زوج‌درمانی در کاهش تضاد بین والدین بهبود عزت نفس و مهارت‌های ارتباطی و مهارت مدیریت تعارض همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت همان‌طور که مینو چین بیان می‌کند ایده اصلی خانواده‌درمانی ساختاری این است که نشانه‌های اختلال فرد هنگامی‌که دریافت الگوهای تعاملی خانواده ارزیابی شود، بهتر قابل‌درک و شناخت است و یکی از فنون ویژه و منحصربه‌فرد خانواده‌درمانی ساختاری به اجرا درآوردن الگوهای تعامل خانواده است و همچنین هدف اصلی آن تسهیل حل مشکلات موجود و رشد سالم خانواده با تمرکز بر ارتباط بین فردی و اعضای مهم خانواده است (۴۱). لذا در این رویکرد درمانگر با تمرکز روی ساختار یا سازمان خانواده، به افراد کمک می‌کند تا الگوهای کلیشه ای خود را تعدیل، انعطاف‌پذیری خود را افزایش و در روابط بین اعضای خانواده بازنگری کنند و آن‌ها را اصلاح کنند که درنهایت باعث بهبود سبک‌های مقابله با تعارض می‌گردد. کاهش تعارضات میان زوجین باعث می‌شود که فرزندانشان با مشکلات کمتری در حوزه شایستگی اجتماعی مواجه شوند (۴۲). این یافته ها با نتایج پژوهش‌های سودانی (۴۳) مرادی (۴۴) فریدی (۴۵) مبنی بر اثربخشی الگوی خانواده‌درمانی ساختاری در کاهش تعارضات زناشویی و سو (۳۴) مبنی بر اثربخشی زوج‌درمانی در بهبود مهارت مدیریت تعارض همسو است.

فرضیه دوم بیان می‌کند که رویکرد خانواده‌درمانی ساختی باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شود. نتایج نشان داد آموزش خانواده‌درمانی ساختاری در افزایش رضایت و سازگاری زناشویی مؤثر بود نتایج این پژوهش با پژوهشی که عاشوری (۴۶) با عنوان اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر سطح رضایت زناشویی زنان انجام داد و نتیجه گرفت که درمان ساختاری منجر به بهبود مؤلفه‌های مختلفی ازجمله رضایت زناشویی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، روابط جنسی، فرزندان و فرزندپروری و ارتباط با دوستان می‌شود، همخوان است. همچنین با پژوهش‌های آلن کار (۲۵)، یونگ، نگاش و لانگ (۴۷)؛ هانسون و لند بلند (۴۸)، فینچام، بیچ و داویلا (۴۹)، آریتا (۲۳)؛ مک لندون و همکاران (۲۹)؛ پارکوور و همکاران (۳۰)؛ مرادی (۴۴) نوربالا، اژه‌ای و طباطبایی (۵۰)؛ موسوی، مرادی و مهدوی هرسینی (۵۱)، فریدی (۴۵)، سودانی و همکاران (۴۳) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت بر اساس نظریه‌ی ساختاری در طول زندگی زناشویی تعارض ازآنجا شروع می‌شود که هرکدام از زوجین سعی دارد قواعد و اصول و الگوهای مرزهای خانوادگی خود را به خانواده‌ی جدید منتقل نماید و این در حالی است که آن‌ها باید این مهارت و توان را داشته باشند که قواعد و انتظارات و الگوهای رفتاری خود را به نحوی تغییر دهند که مستقل از خانواده ی پایه و متناسب با نیازها، انتظارات و قواعد همسر خود باشد. یافته‌های ویتون[3] و همکاران (۳۳) نیز بیانگر این مطلب است که سبک مقابله با تعارض زوج‌های جوان مشابه سبک مقابله با تعارض خانواده پایه‌شان است نظام خانواده‌درمانی ساختاری ازیک‌طرف با ارائه تمرین عملی در جلسات و مرور و تمرین آن‌ها در خانه و از طرف دیگر با آموزش روش‌های مؤثر در حل تعارضات زناشویی، موجبات تقویت زیر منظومه زناشویی را فراهم می‌کند. از وظایف مهم زیر منظومه‌های زناشویی که در رویکرد ساختاری عنوان‌شده است، ارضای نیازهای یکدیگر و حمایت روانی –اجتماعی از هم در بسیاری زمینه‌ها، مکمل بودن کارکردهای آنان که در چنین شرایطی زن و شوهر مانند یک گروه عمل می‌کنند و به رسمیت شناختن استقلال یکدیگر

۱- Vallenear &Karner
۲- Seo
۳- Whitton

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

است (۱۸). بی‌توجهی به هر یک از این وظایف باعث بروز تعارض می‌شود، لذا درروش خانواده‌درمانی با دادن تکالیفی به زوجین در موردتوجه به یکدیگر و رفع نیازهای متقابل منجر به کاهش تعارض می‌شود. همچنین در این روش به زوجین کمک شد تا هم‌زمان با آشکار ساختن تعارضات موجود، امکان حل‌وفصل تضادها و تعارض‌های موجود فراهم شود و عملاً روش درست حل آن‌ها را آموخته و در زندگی واقعی آن را به کار ببرند که این امر باعث افزایش سبک مقابله با تعارض یکپارچه و مصالحه و کاهش نمره‌ی سبک مقابله با تعارض مسلط، اجتنابی و ملزم شده می‌شود. تحقیقات متخصصان در دانشگاه دنور این مسئله را تائید کرده و نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین پیش‌بینی کننده طلاق و نارضایتی زناشویی روشی است که زوج ها به‌وسیله آن تعارض خود را در مواقع ناسازگاری مدیریت می‌کنند و شیوه‌هایی که به‌وسیله آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این محققین متوجه شدند زوج‌هایی در حل تعارضات زناشویی خود موفق هستند که حل موفقیت‌آمیز مشکلات را یاد گرفته باشند (۵۲).

۱- University if denver

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

References

1-Coen, s. The impact of residential experience on the division of household labor, conflict patterns, differentiation, and marital satisfaction. [Dissertation.۲۰۰٤.]

2-Duncan G D. The relationship between trait forgiveness and marital adjustment in Heterosexual individuals. Unpublished Doctoral Dissertation. Capella University. 2008.

3-Mahoney K R. The relationship of partner support & coping strategies to marital adjustment among women with diabetes & their male partner. [Dissertation.]USA: New York University.2006.

4-Hindman d w. Conflict management and dyadic adjustment among marrid couples. Unpublished doctoral dissertation. California university.2002.

5-Kim J Y. The effects of preschooler's temperament, marital conflict and preschooler's emotion regulation on problem behavior. [Dissertation.]Republic of Korea: EwhaWomans University.2007.

6-Kim, M J, Doh H S, Hong J S, Choi M K (2011). Social skills training and parent education programs for aggressive preschoolers and their parents in South Korea. Children and Youth Services Review2011; 33: 838–845.

7-Yim H A. The effect of conjugal conflicts and parental satisfaction on the aggression and prosociability of young children. [Dissertation .]Republic of Korea: The Catholic University of Korea.2004.

8-Rahim M A, Antonioni D, Krumov K, Lieva S. Power, conflict, and effectiveness a cross cultural in the United Stated and Bulgaria. European Psychologist.2000; 5(1): 28-33.

9-Ghalili Z, Ahmadi A, Fatehizadeh M. Couple Therapy : Couple Conversation in Conflict Resolution. Psychotherapical Novelties.2006; 1 (39): 59-78. (In Persian)

10-Roberts L. Fire and ice in marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress. Journal of Marriage and the Family.2000; 62:693–707.

11-Rahim M A. A measure of styles of handing interpersonal conflict. Academy of management Journal.1983; 26(2):368- 376.

12-Blake, R. R. and Mouton, J. S. The Managerial Grid. Houston: Gulf.1964.

13-Ben-Ari, Hishberg, I. Attachment styles, conflict perception, and adolescents, strategies of coping with inter personal conflict, Negotiation Journal, ABI/ IN Form global.2009; 59-82.

14-Rahim M A, T V Bonoma. Managing organizational conflict: A model for diagnosis and intervention. Psychological reports.1979; 44(4):1323-1344.

15-Goodwin L, Resolving Auditor, Clint conflict, Concerning Financial Statement Issues, Department of commerce University of Queensland Australia, Available online.2000.

16-Thompson G L, Rudolph L B, counseling children (6th edition). Wadsworth. 2002.

17-Donovan J M. Short-Term Couple Therapy. the Guilford Press-A Division of Gilford Publication.1999.

18-Minuchin S, Family Kaleidoscope. Cambridge: Harvard University Press.1984.

19-Gottman J M, levenson R W. A two-factor model for predicting of family process. 2000; 41 (1): 83-96.

20-Hollman TH B, Jarvis M O. Hostile volatile, avoiding and validating. Couple- conflict types: an investigation of gottman s couple conflict types. Personal relationship.2003; 10 (2): 267-282.

21-Driver j L, gottman j M. Daily marital interaction and positive affect during marital conflict among newlywed couples. Journal of family process.2004; 43(3):301-314

22-Esmaeilzadeh M. Study relationship between Conflict Management Styles and Marital Life Quality among Spouses, Parents of Elementary School Students of 3 District in Esfahan City.2015.

23-Arieta, M. T. Women s'couple relationship satisfaction: The impact of family structure and interparental conflict. [Dissertation.]USA: Sanfrancisco University.2008.

24-Joanne C Y Chan. Conflictmanagement styles, emotional intelligence and implicit theories of personality of nursing students: A cross-sectional study.2014.

25-Carr A, Family Therapy: Concepts, Process and Practice.Translated from English by Tabrizi Gh. 3rd.Mashhad: Marandiz Publications; 2000. (In Persian)

26-Greef P A. Characteristics of families that function well. Journal of family issues.2000; 21(1): 274-289.

27-Beyebach, M. Integrative brief solution-focused family therapy: A provision roadmap. Journal of Systemic Therapies.2009; 28(3):18-35.

28-Goldenberg I, Goldenberg H, Family Therapy: An overview (7th Ed). Pacific Grove. CA: Brooks/Cole.2007.

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

29-McLendon D, McLendon T, Petr C G. Family directed structural therapy. Journal of Marital and Family Therapy.2009; 31(4): 327-339.
30-Parcover J, A Mettrick J, Parcover C A D, Griffin-Smith P. University and college counselors as athletic team consultancy: using a structural family therapy model. Journal of College Counseling. 2011; 12(2): 149-161.
31-Haghighi H, zarei E, Ghaderi F. Factor structure and psychometric characteristics conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II) in Iranian couples. Journal of Family Counseling and Psychotherapy. 2012; 1(4): 534-561.
32-Bagher Sanai Z,et al, Family and Marriage Scales. 2. Tehran: Besat Publications; 2009 (In Persian)
33-Whitton S W, waldinger R J, Schulz M S, Allen J P, Crowell J A, Hauser S T. Prospective associations from family of origin interaction to adult marital interaction and relationship adjustment. Journal of Family sychology.2008; 22 (2): 274 – 286.
34-Seo H S. The study on the effect of marital group counseling programs to improve self-esteem, and a marital couple's enhancing of domestic family violence: Centered on V. Stair's theory of growth model. Korean Journal of Family Welfare.2005;10: 25–41.
35-Goldenberg I, Goldenberg H, Family Therapy. Translated from English by Hosseinshahi Baravati H, Naghshbandi S, Arjmand E. 4 Th.Tehran: Ravan publications; 2013. (In Persian)
36-Minuchin S, Fishman H.CH, Family Therapy Techniques. Translated from English by Bahari F, Siya F. 8Th. Tehran: Roshd publications. 2008. (In Persian)
37-Driver J L, Gottman j M. Daily marital interactions and positive affect during marital conflict among newlywed couples. Journal of Family Process.2004; 43(3): 301-314.
38-Dunham SH. Emotional skillfulness in African American marriage. Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. [Dissertation.۲۰۰۸.]
39-Vargas J. Communication in healthy and distressed relationships. [Dissertation .]USA: Keen University. 2005.
40-Yancey R J. Resilience and adjustment to marriage. [Dissertation .]USA: New Mexico State University.2007.
41-Minuchin S, Family and Family Therapy. Translated from English by Sanai Zaker B. 8Th. Tehran: AmirKabir publications. 2014. (In Persian)
42-Kouros M, Cummings E M, Davies P T. Marital Aggression and Children`sResponses to Everyday Interparental Conflict. European Psychologist.2010; 12(1): 17-28.
43-Sodani M. A study of the Effect of Structural Family Therapy through Group Methods in Reducing Marital Conflicts among Couples Referred to Council for Disagreement Solution (CDS)in Bagh-Malek. Journal of Social Psychology.2009; 4(12):7-25. (In Persian)
44- Moradi M. The Effect of Structural Family Therapy on Reducing Marital Conflict Divorce Applicants Couples in Isfahan [Dissertation]. Iran: Isfahan University; 2001. (In Persian)
45-Faridi, F. A study of the Effect of Structural Family Therapy through Group Methods in women`s Marital Conflicts [Dissertation]. Iran: Allameh Tabataba`I University; 1983 (In Persian)
46-Ashoori J, Manshaee Gh. Effect of Structural Family Therapy on Marital Satisfaction in Women. Journal of Woman and Family Studies.2013; 1(19): 133-146. (In Persian)
47-Young T L, Negash S M, Long R M. Enhancing sexual and intimacy via the metaphor of a problem child: utilizing structural-strategic family therapy. Journal of Sex & Marital Therapy.2009; 35 (3): 402-417.
48-Hannson K, Lundbland A. Couple therapy effectiveness of treatment and long-term follow up. Journal of family therapy2006; 28(4): 136-152.
49-Fincham F D, Beach R H, Davilla J. Relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. Journal of family psychology.2007; 21(3): 542-545.
50-Ameri F, Noorbala A, Ejei J, Rasoolzade Tabatabaie SK. The Effect of Strategic Family Therapy in Marital Conflicts. Journal of Psychology. 2003; 7(3): 218-232. (In Persian)
51-Moosavi R, Moradi A R, Mahdavi Harsini S E. Effect of Structural Family Therapy on Improving Family Function and Strengthening Marital Satisfaction in Families of Children with Separation Anxiety Disorder. Journal of Family Research. 2005; 4 (4): 321-325. (In Persian)
52-Brubacher, L. Integration emotin-focused therapy with the stair model. Journal of marital and family therapy.2006; 32(2):141-153.

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]

The Effectiveness of Structural Family Therapy on Conflict Styles and Promotion of Marital Adjustment

Nemni E (Ph.D), Keshavarz Afshar H (Ph.D)*, Farazi z (Ph.D candidate), Golshan HR (MSc)

Abstract

Introduction: In this study, the effectiveness of Structural family therapy interventions on changing the coping styles of couple's conflict and and promotion of marietal adjustment referring to the counseling center of Birjand city were examined.

Methods: The present study was a semi-experimental, pre-test and post-test with control group in 2015. The statistical population of this study was couples referring to Birjand counseling center. The sample consists of 12 couples (24people) who were applicant family counseling services. Samples were randomly assigned into two experimental and control groups. The instrument used in this study was Rahim's conflict-solving styles questionnaire (ROCI-II) and Erich's marital satisfaction questionnaire. The research design was a semi-experimental design with pre-test and post-test with control group. First, a pre-test was performed for each group, then a constructive family therapy interventional experimental was performed in 10 sessions. After the completion of the program the post-test was performed.

Results: Based on data analysis, using covariance analysis and comparing the pre-test and post-test of the two groups, the teaching of constructive family therapy had a significant effect on integrated style ($p = 0.733$), avoidance style ($P = 0.179$), dominant style ($p=0.266$), compromise style ($p =0.558$), required style ($p = 0.501$) and overall satisfaction ($p = 0.74$) of the couples

Conclusion: Constructive family therapy was effective in improving and changing the couple's conflict management styles and enhancing marital satisfaction and compatibility of couples

Key Word: Constructive Family Therapy, Marital Satisfaction, Conflict Management Styles

---

*Corresponding author, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Keshavarz1979@ut.ac.ir

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-14]